

## طرح صیانت و تعارضات حکمرانی

امیر فرشپای

روزنامهنگار

چند نظریه کلان در خصوص مفهوم و اصطلاح «حکمرانی» وجود دارد که هر سه جدید هستند و زمان زیادی از پرداخت آنها گذشته است. یکی از آنها نظریه «حکمرانی خوب» است که نزدیک به چهار دهه از عمر آن در غرب می‌گذرد که شکل تعدیل یافته و اصلاح شده آن را در نظریه «حکمرانی سالم» می‌توان دید و دیگری ایده «حکمرانی متعالی» است که در سال‌های اخیر در ایران و در مقابل نظریات غربی حکمرانی مطرح شده است. در اینجا ابتدا به صورت‌های سه‌گانه این نظریات، مختصراً پرداخته و در ادامه نسبت آنها با طرح موسوم به «طرح صیانت» و نهاد اندیشه طراحان آن بررسی خواهد شد. پیش از آن لازم است به یک مفروض اشاره شود و آن، عمومیت و شمول در اطلاق مفهوم و اصطلاح حکمرانی در تمام شئون حاکمیت از جمله سه حوزه تقنین، قضا و اجرا و پرهیز از تقلیل آن به صرف قوه مجریه است.

### حکمرانی خوب

نظریه «حکمرانی خوب» (مطلوب) دیدگاهی توسعه محور است که فرهنگ، سیاست و اخلاق و زندگی را ذیل توسعه اقتصادی تعریف و طبقه‌بندی می‌کند. در حقیقت، آن فلسفه‌ای که می‌توان آن را به مثابه بنیاد این نظریه تلقی کرد، فلسفه رایج قرن هجدهم یعنی روح حاکم بر عصر روشنگری است که ملاک‌ها و مناظ‌هایی برای تشخیص آن معین شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: آزادی بیان و مشارکت عمومی در سیاست، گردش آزاد و شفافیت اطلاعات، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری نهادها، برخورداری برابر از فرصت‌ها و امکانات، کارآمدی و نهایتاً همگرایی و وقاف ملی از جمله این ضوابط و معیارها هستند. این نظریه را باید به لحاظ تاریخی، ایده‌ای بساجنگی تلقی کرد؛ هرچند که ریشه‌های آن در قرن هجدهم دوامده شده، اما پرازش آن معاصر و پس از خرابی‌های جنگ دوم جهانی است.

### حکمرانی سالم

نظریه «حکمرانی سالم» به طور کلی نقیض نظریه حکمرانی خوب و در مقابل آن نیست، هرچند که از جهانی‌ان را نقد می‌کند و بهتر است آن را اصلاح و تعدیل نظریه حکمرانی خوب دانست؛ چراکه غایت نهایی آن نیز همان «رفاه عمومی» است که ریشه در نظریه «مکتب فرایگر» آدم اسمیت دارد و در بسیاری از معیارها نیز با ایده حکمرانی خوب مشترک است، اما با تمام این اوصاف از انتقادات بنیادی آن نباید با سهل‌انگاری گذشت و آن دورا این همان انگاشت، وجه تمایز نظریه حکمرانی سالم از حکمرانی خوب نیز متخذ از همان نقادی مذکور است؛ در حقیقت، حکمرانی سالم، معیارهای جهان شمول نظریات توسعه‌محور را که احکام ازلی و ابدی برای سعادت انسان صادر می‌کند بر نمی‌تابد. به تعبیر دیگر، آنچه از فلسفه روشنگری و تعین آن در انقلاب‌های انگلستان، فرانسه و آمریکا باقی مانده -و برحسب آن برای بشر نسخه کلی و جهانشمول سعادت می‌پیچد و نام‌نیزها و ثگرت‌های موجود را به رسمیت نمی‌شناسد و با خوش‌باوری در تپی تحمیل قواعد و ساختارهای عصر روشنگری است- مورد انتقاد نظریه حکمرانی سالم است. مثلاً حکمرانی سالم تأکید دارد که آداب، رسوم، فرهنگ‌ها و ویژگی‌های متکثر اقوام و جوامع باید در نسخه نهایی لحاظ شوند تا رفاه مطلوب محقق گردد.

### حکمرانی متعالی

نظریه حکمرانی متعالی یک نظریه ایرانی اسلامی است که از یک‌سو، به لحاظ سلبی، در تقابل با ایده‌های «حکمرانی خوب» و «سالم» غربی طرح شده است و از سوی دیگر و به لحاظ ایجابی، معطوف به ایران پس از انقلاب است. این ایده از جهات متعددی در مقابل نظریات پیشین قرار دارد که به بخشی از مهم‌ترین وجوه تمایز و تقابل آنها اختصاراً اشاره خواهد شد. نخستین تمایز اساسی آن به اعتقاد از عدم اعتقاد به مبدأ و معاد در آنها راجع است. نظریه حکمرانی خوب متکی بر بنیادهای طبیعت‌گرایانه قرن هجدهم و نوزدهم است، درحالی که نظریه حکمرانی متعالی، در کنار بر پایه الهیات سلفی، اسلامی استوار است؛ بلکه تعیین کننده جهت حرکت آن و به مثابه روح این ایده است. به بیانی دیگر، ایده حکمرانی متعالی در بستر و زمینه مبدأ و معاد اسلامی ریشه دارد و منمقاً تعارضی بنیادین و غیرقابل انکار با ایده‌های فوق‌الذکر دارد. نکته و نکات دیگری به بنیاد انسان‌شناختی ایده‌های حکمرانی متعالی و حکمرانی خوب معطوف است؛ حکمرانی خوب از لحاظ انسان‌شناسی فلسفی مبتنی بر اصالت فاعل‌شناسا (سوژینکویسیسم) و نوعی انسان‌محوری است، درحالی که ایده حکمرانی متعالی به انسان، به‌مثابه موجودی ذیل اراده حق و موجودی «در عالم» می‌نگرد. از سوی دیگر و به لحاظ فلسفه تاریخ، نظریه حکمرانی خوب نوعی فردمحوری لیبرالی به معنای فردیت انترآعی و سوژینکویستی را تبلیغ می‌کند، ولی حکمرانی متعالی بر بنیاد اصالت فرد انسان انضمامی درعین اصالت جمع تکیه دارد. همچنین از نظر معرفت‌شناختی نیز حکمرانی خوب از اصالت حس و نهایتاً نوعی عقل‌گرایی ابزاری دفاع می‌کند، درحالی که نظریه حکمرانی متعالی روی سه پایه وحی، عقل و تجربه حسی سوار است و منطقاً به لحاظ روش‌شناسی نیز به همین ترتیب است. از حیث ارزش‌شناسی و فلسفه اخلاق نیز حکمرانی متعالی معنویت‌گرا است و عالم ناسوت را «مزرعه آخرت» و مقدمه رسیدن به عوالم مافوق می‌داند، در صورتی که در حکمرانی خوب آنچه اصالت و تقدم دارد، منافع و مصالح مادی است و معنویت آن هم به شکل حداقلی و فردی، نهایتاً ذیل همین فایده‌گرایی اخلاقی تعریف می‌شود.

### طرح صیانت و تعارضات ایده‌های حکمرانی

به نظر می‌رسد آنچه گروهی از نمایندگان مجلس را بر آن داشت تا پیگیر «طرح صیانت» بشوند برداشت خاصی از ایده حکمرانی متعالی است؛ برداشتی معنویت‌گرا و نسبتاً تقلیل‌گرایانه که با گریزش وجوهی از آن، جنبه‌ها و وجوه دیگر را نادیده می‌انگار. بهتر است قدری بیشتر درباره نظریه حکمرانی متعالی اسلامی توضیح داده شود تا بتوان مدعای فوق را به سهولت بیشتری به اثبات رساند. ایده حکمرانی اسلامی، ایده‌ای صرفاً معنویت‌گرا و بی‌توجه به رفاه مادی، منافع ملی و مردم‌سالاری -به مثابه یک رکن- نیست؛ بلکه شاخص‌های اصلی این نظریه در توان تألیفی و جامعیت آن است. بدین توضیح که این ایده سعی دارد میان الهیات و طبیعیات و با واسطه سیاست، نوعی توازن و تناسب برقرار کند، به نحوی که امور دنیوی و مصالح مادی بدون اینکه انکار شوند، در نسبتی منطقی با معنویات و حیات اخروی، جایگاه خاص خود را بیابند. در نظریه حکمرانی متعالی که مبتنی بر فلسفه سلفی اسلام است، مردم نه لزوماً شرط تحقق و تشکیل حکومت -آن‌گونه که در نهاد تقاسم این طیف جافانده است- بلکه علاوه بر آن، خود رکن مشروعیت و مقبولیت حکومت و ولی نعمتان آن هستند. همان‌گونه که امام راحل و رهبر انقلاب اعتقاد داشتند. از این وجه، نهادهای حاکمیتی باید ذیل مسئولیت‌پذیری اخلاقی، پاسخگویی افکار عمومی و افتان آن، برای تصمیماتی که می‌گیرند باشند. یک توضیح که لازم به نظر می‌رسد این است که مردم‌سالاری یا مسئولیت‌پذیری حاکمان و سایر معیارها و شئون نظریه حکمرانی اسلامی که ذکر شد، بر گرفته و منتخذ از آموزه‌های غربی مانند دموکراسی نیستند؛ بلکه برخاسته از مآثورات دینی یعنی آموزه‌های کتاب خدا، سنت رسول خدا و اهل بیت پیامبر (ع) هستند. به هر تقدیر، نظریه حکمرانی متعالی با اسلامی، دنیا را به مثابه «مزرعه آخرت» می‌بیند و نه تنها آن را ذاتاً طرد نمی‌کند بلکه آن را به عنوان مرحله و گذرگاهی برای کمال و سعادت غایی بشر ضروری می‌داند، ولی تأکید می‌کند که جایگاه آن در این نظریه به مثابه همان مزرعه و گذرگاه موقت تعیین می‌شود و نه به عنوان مقصد و منتهای هستی انسانی. بحث منافع ملی نیز ذیل همین دیدگاه تعیین و تعریف می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی نیز همین هماهنگی میان منافع ملی و آرمان‌های اسلامی از جمله ایجاد موقوفت و سازگاری و هماهنگی میان آرمان آزادی قدس با منافع و امنیت ملی است.

- پنجشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۰**
- سال بیست و هشتم**
- شماره ۷۸۶۳**

## وزیر خارجه عربستان:

# جنگ یمن بیش از حد انتظار ما طول کشید!

عماد هلاط

پژوهشگر مسائل بین الملل

بیش از ۷ سال از جنگ یمن می‌گذرد و عربستان سعودی با تشکیل یک ائتلاف عربی در سال ۲۰۱۵ به یمن حمله کرد. جنگی که ائتلاف عربی گمان می‌کرد طی آن در سه ماه جنبش انصارالله را شکست خواهد داد و بار دیگر صنعا پایتخت یمن را تصرف می‌کند. اما جنگ مطابق میل ائتلاف سعودی پیش نرفت و نبرد سه ماهه تبدیل به یک نبرد ۷ساله شد که اکنون دیگر شهرهای عربستان و امارات هم از جنگ در امان نیستند. «فیصل بن فرحان آل سعود وزیر امور خارجه عربستان سعودی» در بخشی از گفت‌وگوی خود با خبرنگاری آلمان گفت: ما با شرکای خود برای کمک و محافظت از دولت یمن مداخله کردیم. امیدوار بودیم که این کار زیاد طول نکشد، اما متأسفانه بیش از آنچه انتظار داشتیم طول کشید.

اما به‌راستی چرا جنگ یمن طول کشید؟ برای پاسخ به این سؤال باید به سال ۲۰۱۵ برگشت. زمانی که ائتلاف سعودی برای بازگرداندن دولت مستعفی عبد ربه منصور هادی ائتلافی از کشورهای عربی تشکیل داد و خود را وارد باتلاق یمن کرد. عربستان به همراه امارات از سال ۲۰۱۵ نبردها علیه مردم یمن و جنبش انصارالله را آغاز کردند و به دنبال تصرف مجدد صنعا بودند. در این نبرد عربستان و امارات از پشتیبانی کامل ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی و حتی کشورهای اروپایی برخوردار بودند.

در این جنگ عربستان قراردادهای تسلیحاتی مختلفی را با ایالات متحده منعقد کردند. در سال ۱۳۹۶ عربستان قرارداد ۱۱۰میلیاردی خرید سلاح را با آمریکا بست. در سویی دیگر صندوق بین‌المللی پول در گزارشی درباره اوضاع مالی عربستان اعلام کرده است که این کشور در زمان سلمان بن عبد‌العزیز پادشاه کنونی عربستان (از ۲۰۱۵) و ولیعهدی پسرش محمد بن سلمان ۲۳۳ میلیارد دلار (۸۷۳ میلیارد ریال عربستانی) از ذخایر مالی خود را بدون آنکه مشخص باشد صرف چیز شده از دست داده است و یا به عبارت بهتر صرف تجاوزه به کشور یمن کرده است.

هرچند پیش از آمار از سوی منابع مطلع یمنی بودن ۳۰۰ میلیارد دلار در جنگ بیش از شش ساله یمن قید شده است. با وجود همه هزینه‌های نظامی اما عربستان سعودی و همیمانان خود از حالت آفتندی که در سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ داشته‌اند، اکنون به حالت پافندنی روی آورده‌اند و شهرهای

مهم و استراتژیک یمن به کنترل دولت نجات ملی درآمده است.

عواملی مختلفی را می‌توان برای طولانی شدن جنگ عنوان کرد که عبارتند از:

**عوامل سیاسی:** دولت نجات ملی یمن در طول سال‌های گذشته همواره چه از طریق قدرت‌های منطقه‌ای و چه از طریق کشورهای فرامنطقه‌ای و همچنین از طریق سازمان ملل، خواستار توقف جنگ و آتش‌بس شده است. در سال ۲۰۱۸ دولت نجات ملی در نامه خود به سازمان ملل خواستار آتش‌بس و آغاز گفت‌وگوهای یمنی می‌بود. سازمان ملل با فشار عربستان تا کنون هیچ جوابی به نامه درخواستی انصارالله نداده است.

در این نامه، شش اقدام سیاسی برای اتمام جنگ پیشنهاد شده بود:

تشکیل یک کارگروه برای آشتی ملی و مصالحه

■ **اقدام برای برگزاری انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری با حضور تمام یمنی‌ها و احزاب سیاسی**

■ **تأمین ضمانت بین‌المللی در بازسازی یمن و جبران خسارت**

■ **تضمین و جلوگیری از هر حمله و دشمنی کشورهای اجنبی علیه یمن**

■ **اعلام غفو عمومی، بخشش و آزادی تمام زندانی‌ها از همه طرف‌ها**

■ **تشکیل جلسات رفع اختلاف در پرونده‌های اختلافی**

عربستان سعودی با استفاده از دلارهای خود و همچنین منافع ایالات متحده

جهت فروش دلار مانع برقراری آتش‌بس در یمن شده است. از سوی دیگر عربستان سعودی خود را در باتلاقی می‌بیند که خروج از آن را به منزله شکست می‌داند.

با صرف هزینه‌های میلیارد دلاری اکنون با انصاراللهی مواجه است که تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند آنها را شکست دهد. به همین دلیل عربستان می‌خواهد با وجود اینکه بازنده اصلی جنگ یمن است، شروط خود را برای قبول آتش‌بس بر کرسی بنشاند.

**عوامل میدانی و نظامی:** از حدود سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ وضعیت میدانی در یمن تغییر کرده و ارتش و کمیته‌های مردمی توانستند ضمن تثبیت وضعیت خود به سمت بازسیگیری شهرهای مختلف یمن که در دست مزدوران سعودی است حرکت کنند.

عربستان و مزدوران خود تنها شهر مآرب را در کنترل خود دارند و این درحالی است که سایر شهرهای استان مآرب توسط ارتش و کمیته‌های مردمی از وجود مزدوران سعودی پاکسازی شده است. در شهرهای جنوبی هم عربستان هیچ کنترلی ندارد و ائتلاف جنوب تحت حمایت امارات کنترل شهرها را به دست گرفته است. ارتش و کمیته‌های مردمی به رغم جنگ نابرابر ۷ ساله خود را به مرزهای عربستان سعودی رسانده و اکنون عربستان انصارالله را در همسایگی خود می‌بیند. همچنین انصارالله کنترل شهرها و استان‌های مختلف همچون، الجوف و الحدیده و بخش‌هایی از مآرب را در دست دارد.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

باید عبور کند.

**عوامل منطقه‌ای:** یکی از بازیگران تأثیرگذار در بحران یمن، رژیم صهیونیستی است. این رژیم همواره به عنوان یکی از بازیگرانی بود که نمی‌خواهد دولتی در یمن سرکار بیاید که حیات این رژیم را تهدید کند و حلقه محاصره این رژیم توسط ایران تکمیل شود. در طول سال‌های گذشته رژیم صهیونیستی هم با استفاده از لابی خود در آمریکا و هم بعد از عادی‌سازی روابط با رژیم کشورهای خلیج فارس، مانع برقراری آتش‌بس در یمن شده است. بازگشت مجدد امارات به جنگ یمن بعد از سال ۲۰۲۰ را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. عوامل فرامنطقه‌ای: بسیاری از کشورهای اروپایی، انصارالله را به عنوان تهدید بزرگ برای حیات تجاری خود می‌بینند. کنترل گذرگاه باب المندب از سوی انصارالله باعث شده است که هرچند در سیاست‌های خود، به دنبال آتش بس در یمن هستند، اما در عمل با انحای مختلف به ائتلاف سعودی کمک می‌کنند. ایالات متحده هم با توجه به فروش سلاح و افزایش قدرت نفوذ ایران در منطقه به دنبال راه حلی است که بتواند ضمن نجات عربستان، از نفوذ منطقه‌ای ایران جلوگیری کند.

**ژئوپلیتیک یمن:** یمن کشوری در جنوب شبه جزیره عربستان و انتهای آسیای غربی است. این کشور با ۵۲۷.۹۷۰ کیلومتر مربع دومین کشور مستقل عربی در شبه جزیره است. خط ساحلی آن حدود ۲.۰۰۰ کیلومتر امتداد دارد.

بیشترین مرز زمینی یمن با عربستان سعودی است و در طول خلیج عدن و دریای سرخ قرار گرفته است. تنگه باب المندب به عنوان یکی از استراتژیک‌ترین گذرگاه‌های جهان در این منطقه قرار دارد. همچنین یمن جمعیتی بالغ بر بیش از ۲۰ میلیون نفر دارد. این عوامل به همراه منابع طبیعی باعث شده است که ژئوپلیتیک این کشور در برای بسیاری از کشورها مهم به حساب آید. در این میان کشورهای متجاوز و غربی نسبت به از دست دادن این ژئوپلیتیک حساس بیم دارند. با توجه به اینکه بخشی از انرژی دنیا از همین جغرافیای عبور می‌کند.

در نهایت باید گفت که عربستان خود را با باتلاقی فرو برده است که با گذشت بیش از ۷ سال از جنگ یمن هیچ دستاوردی در این جنگ نداشته و با صرف هزینه‌های میلیاردی، نمی‌تواند از شهرهای خود محافظت کند. این درحالی است که در سال ۲۰۱۵ عربستان به همراه ائتلاف عربی قرار بود در طول مدت سه ماه انصارالله را شکست بدهد.

**عوامل ژئوپلیتیکی:** عربستان سعودی

و کشورهای حوزه خلیج فارس صادرات انرژی خود را با گذر از دو تنگه هرمز و باب المندب به جهان صادر می‌کنند. در خلیج فارس ایران به عنوان بازیگر اصلی تنگه هرمز محسوب می‌شود. از سوی دیگر در خلیج عدن و دریای سرخ عربستان از گذرگاه باب المندب برای صادرات انرژی

■ **آبایعربستان بدون آل سعود می‌تواند زنده بماند؟**

آل سعود سرانجام در مواجهه با دیدگاه‌های جایگزین گذشته که ممکن است در چهره آنها فوران کند، منروزی خواهد شد. مناطق حاشیه نشین، واعظان تبعید شده و سایر نیروهایی که در ایجاد دولت نقش داشته‌اند، بدون شک روایت خود را خواهند نوشت که بر اساس آن جنبش‌های جدایی طلب جدید به راحتی می‌توانند به دنبال نمایندگی یا حتی جدایی از مرکزی باشند که حتی آن را به رسمیت نمی‌شناسد. محمد بن سلمان در تلاش خود برای جشن گرفتن طول عمر خاندان آل سعود - که اکنون در سال ۱۷۲۷ آغاز شده است - نگرانی ریشه را خود را آشکار کرده است. او احتمالاً فکری می‌کند که یک سلطنت طولانی به معنای همیشه است. اما از تاریخ می‌آوزیم که مشروعیت به جای طول عمر چیزی است که واقعاً اهمیت دارد. امپراطوری روم حدود ۵۰۰ سال، عثمانی ۶۰۰ سال و بریتانیا ۴۰۰ سال دوام آورد. آنچه باعث مرگ آنها شد، از دست دادن مشروعیت تحت فشار آگاهی تاریخی جدید است. محمد بن سلمان ممکن است این شکست را تسریع کرده باشد، زیرا به طور تصادفی یک تاریخ خودسرانه را برای نشان دادن به قدرت رسیدن خاندان سعود به عنوان یک نیروی قدرتمند منحصر به فرد برای حذف دیگران انتخاب کرده است.

\* https://www.middleeasteye.net/opinion/saudi-arabia-mbs-reinvention-history-legitimacy-crisisutm\_source=Twitter&utm\_medium=



سوق می‌دهد، با واکنش‌هایی از سوی مناطق مختلف تشکیل دهنده عربستان سعودی مواجه خواهد شد. ناسیونالیسم متمرکز از ایلا به پایین، نه تنها از سوی وهابی‌ها، بلکه سایر مشارکت‌کنندگان در پروژه دولتی عربستان سعودی، ناگزیر به ایجاد احساس طرد شدن است، زیرا مردم می‌خواهند خود را دوباره در تاریخ دولت جا بزنند در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که چگونه دین می‌تواند از قدرت مرکزی در مواقع بحران حمایت کند.

■ **از دست دادن مشروعیت**

ممکن است روزی محمد بن سلمان مانند اجدادش به وهابی‌ها نیاز داشته باشد. او ممکن است پس از تحقیر آنها، بازداشت بسیاری از آنها، و اکنون بیرون انداختن آنها از تاریخ، برای جلب حمایت آنها تلاش کند. سایر گروه‌های منطقه‌ای ممکن است برای نجات او تردید کنند، زیرا آنها هیچ سهمی در قلمرویی ندارند که حتی آنها را به عنوان ستون‌های ملی در بنیان دولت به رسمیت نمی‌شناسد.

## بازنویسی ماکیاولیستی تاریخ آل سعود

مادوی الرشید\*

پژوهشگر حوزه غرب آسیا

محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به دنبال ایجاد تاریخ نو برای آل سعود در سرزمین حجاز است. به نظر می‌رسد عربستان سعودی در وضعیتی در حال نوسان است و دالماً گذشته‌ای را برای خود اختراع می‌کند. با توجه به این امر ولیعهد سعودی «محمد بن سلمان» به طور ناگهانی تاریخی جدید برای تشکیل سلسله سعودی را اعلام کرد. این تاریخ خودسرانه ۲۰۲۲/۲/۲۲ است که برای اولین بار این روز را جشن گرفت.

ولیعهد می‌خواهد که تاریخ قدیم را فراموش کنیم و فقط شکوه اجداد خود را در «دیریه» به یاد آوریم. دلیل این اضافه شدن جدید به تقویم این ادعاست که عربستان سعودی در سال ۱۷۲۷ تأسیس شد؛ سالی که جد بن سلمان، محمد بن سعود، امیر «دیریه» (یک شهر کوچک و کم اهمیت در مرکز عربستان در آن زمان) شد. سال ۱۷۲۷ به عنوان تعطیلات عمومی ملی به مناسبت ظهور خاندان آل سعود در نجد انتخاب شده است. روز ملی قدیمی در ۲۳ سپتامبر، که نشان‌دهنده ایجاد پادشاهی در سال ۱۹۳۲ است، اکنون در درجه دوم اهمیت قرار دارد. زیرا فقط به دولت مدرن ۹۰ ساله اشاره دارد. روز بنیاد جدید با هدف نشان دادن طول عمر خاندان آل سعود برگزار شده است.

۲۲ تا فوریه سال جاری، روایات رسمی تاریخی عربستان سعودی معمولاً با سال ۱۷۴۴ شروع می‌شود، تاریخی که امیر دیریه، محمد بن سعود، در محمد بن عبدالوهاب، واعظ مشهور وهابی، برای پاکسازی عربستان از کفر (به نظر آل سعود) ائتلاف کرد. محمد

<sup>[1]</sup> محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به دنبال ایجاد تاریخ نو برای آل سعود در سرزمین حجاز است

<sup>[2]</sup> به نظر می‌رسد عربستان سعودی در وضعیتی در حال نوسان است و دالماً گذشته‌ای را برای خود اختراع می‌کند